



درس فارغ فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: القول فيما يجب فيه الخمس - الخامس: ما يفضل عن مؤونه السنه تاريخ: ۴ آذر ۱۳۹۴

موضوع جزئی: مقام دوم: موضوع خمس در زائد بر مؤونه سنه مصادف با: ۱۳ صفر ۱۴۳۷

سال ششم جلسه: ۳۲

«الحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد وآله الطاهرين واللعن على اعدائهم اجمعين»

مقام دوم: موضوع خمس در زائد بر مؤونه سنه

بحث ما در مقام اول از مقامات چهارگانه‌ای که قرار بود درباره آن بحث کنیم تمام شد. مقام دوم درباره موضوع خمس است چون عنوان پنجم مّا يجب فيه الخمس، ما يفضل عن مؤونه السنه است یعنی یکی از چیزهایی که متعلق خمس است زائد بر مؤونه سنه است، اما آیا این زائد بر مؤونه سنه، در مطلق فوائد است یا در فوائد اختیاری است و یا در خصوص ارباح مکاسب است؟ چون فائده یک معنای وسیعی دارد، لذا باید معلوم شود که محدوده و دامنه‌ای که در آن دامنه، مازاد بر مؤونه سنه خمس دارد، کدام است.

پس مقام دوم پیرامون موضوع خمس در این باب است که آیا متعلق و موضوع خمس خصوص ارباح مکاسب هستند کما ذهب اليه بعضٌ او مطلق الفائدة ولو لم يكن كسباً كما ذهب اليه بعضٌ آخر، او مطلق الفائدة الاختيارية ولو لم يكن بقصد الاسترباح كما ذهب اليه ثالثٌ او مطلق الفائدة و لو لم يكن اختيارياً كما ذهب اليه رابعٌ؟ اینجا چهار یا پنج قول وجود دارد؛ حالا ما باید این اقوال و ادله این اقوال را بررسی کنیم تا معلوم شود که مازاد بر مؤونه سنه آیا اختصاص به ارباح مکاسب دارد یا در بیشتر از این محدوده هم ثابت است.

اما چون بحثی طولانی است و به خاطر ایام اربعین چند جلسه‌ای تعطیل است، در جلسه حاضر نمی‌توان بیان کرد، و لذا بحث از آن را به ایام بعد از تعطیلات موکول می‌کنیم.

فلسفه زیارت امام حسین (ع) در روز اربعین

مسئله زیارت اربعین و استحباب این زیارت و اینکه زیارت امام حسین (ع) در بیستم ماه صفر از دور یا نزدیک مستحب و سنت است آن هم به نحو اکید، مورد اختلاف نیست. همان گونه که در بعضی دیگر از ایام سال، زیارت مخصوص امام حسین (ع) مستحب است. البته اصل زیارت امام حسین (ع) به عنوان یک سنت و مستحب، اختصاص به زمان خاصی ندارد.

استحباب زیارت امام حسین (ع) در همه اوقات و ایام سال، ثابت شده است و روایات بر این مطلب دلالت دارد اما در بین ایام و اوقات، بعضی از ازمه و ایام خصوصیت پیدا کرده است؛ مثلاً زیارت امام حسین (ع) در روز عرفه و در نیمه شعبان و بیست و هفتم رجب و در شبهای قدر و شبهای جمعه. روایاتی مبنی بر خصوصیت این زمان‌ها برای زیارت امام حسین (ع) وارد شده و ثواب‌های غیر قابل تصور برای این عمل ذکر شده است. شما کتاب مفاتیح الجنان و یا سایر کتب ادعیه را هم که ملاحظه کنید، زیارات مخصوصی برای این ایام نقل شده است. اینها هم دلیل و روایت معتبر دارد و هم فتاوی فقها و علما گواه بر این مطلب است. اکثر قریب به اتفاق و شاید همه فتوا به استحباب زیارت در این ایام داده‌اند

حتی اگر فرضاً نسبت به اخباری که مبین ثواب زیارت امام حسین (ع) در بعضی ایام هستند تردید داشته باشیم و این روایات دچار ضعف سندی باشند، به مقتضای اخبار من بلغ، مسئله ترتب ثواب قطعی است و این غیر قابل انکار است. حتی روی مبنای کسانی که اخبار من بلغ را دال بر استحباب نمی‌دانند چون در مورد مفاد اخبار من بلغ اختلاف است که آیا از اخبار من بلغ حجیت اخبار ضعیف دال بر ثواب استفاده می‌شود یا استحباب آن عمل ثابت می‌شود یا فقط مسئله ترتب ثواب، استفاده می‌شود؟ هر کدام از اینها باشد در اینکه این اعمال هر چند به خبر ضعیف هم بیان شده باشند، خداوند به عامل به واسطه این عملش ثواب می‌دهد، تردیدی نیست.

پس زیارت امام حسین (ع) در روز اربعین چه از دور و چه از نزدیک، بدون تردید مورد سفارش است. زیارت در غیر این ایام هم زیارت سفارش شده، اما در این روز مثل بعضی از روزهای دیگر سال، استحبابش مؤکد است.

حال در اینکه فلسفه زیارت امام حسین (ع) در روز اربعین چیست و چه شده که اربعین به عنوان روزی که زیارت مخصوص برای امام حسین (ع) وارد شده، جای بحث دارد؛ در سایر ایام مثل نیمه شعبان و شب قدر و شبهای جمعه، خود آن ایام فی نفسه یک ارزش خاصی دارند. شب قدر خودش یک شب مهمی است لکن یکی از اعمال شب قدر، زیارت امام حسین است. شب نیمه شعبان به مناسبت میلاد امام زمان (عج) ارزشمند است ولی یکی از اعمال آن شب، زیارت امام حسین (ع) است و همین طور سایر شبهای دیگر مثل شب جمعه. اما اربعین چه اتفاقی افتاده است که این روز، برای زیارت امام حسین (ع) خصوصیت پیدا کرده است. این احتیاج به یک بحث مبسوط دارد که جایش اینجا نیست. اگر ما بخواهیم اجمالاً ذکر کنیم، چند اتفاق برای روز بیستم صفر سال ۶۱ نقل شده و به همین جهت بر زیارت اربعین تأکید شده، آن هم با هدف خاصی. البته اعتبار و صحت این ادعاها و نقلها باید بررسی شود، همانطور که بررسی شده و مورد اختلاف هم هست.

حوادث بیستم صفر سال ۶۱

۱. اتفاق اول این است که بعضی نقل کرده‌اند که جابر بن عبدالله انصاری روز بیستم صفر به کربلا آمد و مرقد امام حسین (ع) را زیارت کرد. حال این فی نفسه نمی‌تواند عامل اهتمام به زیارت امام حسین (ع) باشد. جابر بن عبدالله انصاری شخصیت محترم و علاقه‌مند به اهل بیت (ع) است اما اینکه زیارت او مبدأ و مبنایی برای خصوصیت پیدا کردن روز بیستم صفر برای زیارت امام حسین (ع) باشد، خیلی وجهی ندارد. حتی اگر بپذیریم که جابر آن روز به زیارت آمده، معذک این نمی‌تواند مبنایی برای تأکید بر زیارت امام حسین (ع) در روز اربعین شود.

۲. اتفاق دیگری که بعضی نقل می‌کنند این است که در آن روز سرهای مطهر شهیدان کربلا به ابدان مطهر ملحق شد و به همین جهت اربعین خصوصیت پیدا کرده است؛ چون تا قبل از آن، اربعین فوت یا شهادت کسی مورد اهتمام نبوده برای زیارت یا تکریم یا بزرگداشت. نه قبل از اسلام و نه بعد از اسلام. این نظر مشهور فقها و مورخان شیعه است که روز بیستم صفر سال شصت و یک، سرهای مطهر شهدا به کربلا بازگردانده شد و به ابدان مطهرشان ملحق گردید.

این هم باید مورد بررسی و تحقیق واقع شود که الآن ما در مقام آن نیستیم که این سرها به چه کیفیتی برگشت و چه کسی آورد و چگونه این اتفاق افتاد؟ آیا از نظر زمانی در فاصله چهل روز و محاسبه این مسیر از کربلا تا کوفه و از کوفه به شام

و مجدداً بازگشت از شام به کربلا، این کار ممکن بوده یا نه؟ این مطلبی است که من در مورد اتفاق بعدی که عرض خواهم کرد به آن اشاره می‌کنم. البته این مسئله می‌تواند مبنایی برای زیارت اربعین باشد چون بالاخره اتفاق مهمی است. بازگرداندن سرها و الحاق آن به ابدان مطهر اتفاقی است که می‌تواند مبنای یادآوری و بزرگداشت آن روز باشد.

۳. حادثه سوم که این هم محل اختلاف است مسئله ورود اهل بیت (ع) در روز اربعین به کربلاست. اینکه کاروان اسرا در راه بازگشت از شام به سوی مدینه در کربلا حضور پیدا کرده‌اند. این هم در بعضی از کتب نقل شده و محل بحث و اختلاف است. بسیاری از قداما در این رابطه به بحث پرداخته‌اند و بعضی پذیرفته‌اند و بعضی رد کرده‌اند. یکی از مهمترین عللی که بر اساس آن نفی می‌کنند این مسئله را این است که می‌گویند به طور عادی زمان حرکت اگر محاسبه شود، از کربلا به کوفه و توقف یکی دو روزه در کوفه و حرکت به سمت شام که مثلاً می‌گویند قاعدتاً بیست روز طول کشیده و نقل توقف یک ماهه در شام و سپس بازگشت، عادتاً امکان اینکه روز بیستم صفر در کربلا وارد شده باشند را از بین می‌برد. اما در مقابل عده‌ای هم بر اساس تحقیق این مسئله را اثبات کرده‌اند از جمله شهید قاضی طباطبایی (که اوائل انقلاب امام جمعه بودند و به شهادت رسیدند) کتابی دارند و در آن کتاب با استناد به منابع بسیار اثبات می‌کند که این مسئله اتفاق افتاده است. من خیلی خلاصه عرض می‌کنم و بعد می‌روم سر نکته اصلی مطلبم.

نکته اول اینکه به طور عادی پیمودن این مسافت با ابزار و اسبابی که آن زمان مرسوم بوده طی هفت الی ده روز ممکن بوده و اینکه برای این سفر بیست روز زمان نیاز باشد یک مقدار بعید است مخصوصاً با عجله‌ای که فاتحان (به اصطلاح خودشان) برای رساندن خودشان به شام داشتند و عجله‌ای که دستگاه خلافت برای برگزاری جشن پیروزی داشته، لذا بعید است که این فاصله را طی بیست روز طی کرده باشد. تقریباً فاصله بین شام تا کربلا چیزی حدود ششصد کیلومتر است. (با این راههایی که الان است. شاید در گذشته مسیرهای کوتاه‌تری بوده) بنابراین اولاً این مسئله که یزید و دستگاه خلافت مایل بودند زودتر نشانه‌های پیروزی خود را ببینند و از طرف دیگر کسانی که این حادثه را پیش آورده بودند (عمر سعد، ابن زیاد) عجله داشتند برای اینکه این را زودتر در شام به خلیفه نشان دهند و وسیله‌ای برای تقریب خودشان به خلیفه پیدا کنند، این خودش یک عاملی است که در صدد باشند زودتر این مسیر را طی کنند و به مقصد برسند. وسائلی هم که با آن سفر می‌شده، اینها معلوم است که در روز چند کیلومتر می‌توانستند راه بروند و لذا قابل محاسبه است.

نکته دوم این که مسئله توقف یکماهه در شام خودش محل اشکال است. اهل تحقیق بعضاً معتقدند که بعید است که یک ماه یزید کاروان را در شام نگه داشته باشد مخصوصاً با روشنگری‌هایی که حضرت زینب (س) می‌کرد و سخنرانی‌هایی که امام سجاد (ع) می‌کرد و حضور اینها و اختلاط و رفت و آمد مردم با اینها، کم کم در عرض مدت کوتاهی داشت تبدیل به یک معضل و مشکلی برای دستگاه بنی امیه می‌شد. در همان مجلس اول آن خطبه غراء حضرت زینب (س) و امام سجاد (ع) همانجا ورق را برگرداند. لذا بعید است که این مدت طولانی یزید مجموعه‌ای را نزد خودش و در شام نگه دارد که هر روز ماندنشان می‌توانست موجب مشکل و آشکار شدن حقیقت برای مردم شود. لذا گفته شده که حداکثر اقامت اینها در شام بیش از هفت هشت روز نبوده. به همین جهت بود که یزید به نعمان گفت خودت را آماده کن که اسرا را به مدینه برگردانی و از شام دور کنی.

بنابراین اگر ما مجموع زمان حرکت و اقامت در شام و بازگشت را حساب کنیم، چندان دور از ذهن نیست که روز بیستم صفر در کربلا بوده اند. آن محاسبه‌ای که عمدتاً بر اساس آن می‌گویند امکان ندارد که روز اربعین اینها بازگشته باشند، بر اساس این است که مسیر را بیست روز برایش در نظر گرفته‌اند و اقامت یک ماهه در شام در نظر گرفتند و لذا می‌گویند بیست روز رفت و برگشت یا بیست روز رفت و بیست روز برگشت و یک ماه هم اقامت در شام، مجموعاً خیلی بیشتر از چهل روز میشود. لذا می‌گویند نمی‌توان ادعا کرد که اینها روز بیستم صفر در کربلا بوده‌اند. اما با ملاحظه آن نکاتی که عرض کردیم و با ملاحظه مسافت و امکان طی مسیر در هر روز و اقامت کوتاه کاروان در شام بعید نیست بگوییم اهل بیت (ع) روز بیستم صفر سال شصت و یک به کربلا بازگشتند و عزاداری کردند.

پس اهمیت اربعین چه بسا ناشی از مسئله ورود اهل بیت به کربلا در آن روز و عزاداری اهل بیت برای امام حسین (ع)، آن هم نه صرفاً یک عزاداری و گریه کردن برای اینکه عزیزان خود را از دست دادند، چون وقتی که اینها به آن سرزمین بازگشتند، قهراً خاطرات تلخ و اتفاقاتی که روز عاشورا افتاد در ذهنشان زنده شد. از امام سجاد (ع) و حضرت زینب (س) تا بچه‌ها اینها همه آن خاطرات و آن ناگواری‌ها و آن تلخی‌ها در اذهانشان زنده شد. این مصیبت تازه شد برای آنها ولی مهمتر از این، هدفی بود که از عزاداری تعقیب می‌شد. یعنی گریه بر سید الشهداء (ع) وسیله‌ای بود برای آشکار کردن کردن مظالم بنی امیه، برای ابلاغ پیام سید الشهداء (ع) به مردم، برای رسوا کردن دستگاه خلافت و لذاست که می‌بینیم مسئله گریه بر سید الشهداء (ع) به عنوان یک شعار توسط امام صادق (ع) و امام باقر (ع) دائماً بر آن تأکید می‌شود. پس زیارت اربعین اهمیت پیدا کرده. زیارت مخصوص دارد چون به احتمال زیاد روزی است که اهل بیت به کربلا بازگشتند و عزاداری کردند و ما به تبع آنها این عزاداری را انجام می‌دهیم و امام حسین (ع) را زیارت می‌کنیم و البته همان اهداف را هم باید تعقیب کنیم. پس زیارت امام حسین (ع) در اربعین به این جهت می‌تواند ارزش و اهمیت پیدا کرده و تأکید بیشتری روی آن شده باشد.

زیارت امام حسین (ع) در روایات

در روایات تعبیر عجیبی راجع به زیارت امام حسین (ع) و اهمیت آن وادی و سرزمین ذکر شده است. در کمتر موردی در روایات می‌توان این اندازه ثواب و اجر برای زیارت دید. مثلاً در روایتی از امام باقر (ع) نقل شده که زیارت قبر رسول خدا (ص) و زیارت قبر شهیدان و زیارت مرقد امام حسین (ع) مساوی با حج مقبولی است که همراه با رسول خدا (ص) بجا آورده شده باشد.^۱ تعبیری که در مورد زیارت امام حسین (ع) نقل شده، انصافش این است که ما مورد هیچ یک از این مشاهد مشرفه نمی‌بینیم.

پیامبر مکرم اسلام (ص) تعبیر می‌کنند که کربلا «هی البقعة التي كانت فيها قبه الاسلام نجا الله التي عليها المؤمنین الذین آمنوا مع نوح فی طوفان» کربلا سرزمینی است که گنبد اسلام است، همان طور که خداوند یاران مؤمن حضرت نوح را در همین مکان از طوفان نجات داد.^۲

۱. مستدرک، ج ۱، ص ۲۶۶.

۲. کامل الزیارات، ص ۲۶۹.

امام صادق (ع) کربلا و مرقد امام حسین (ع) را محل زیارت انبیاء و مطاف فرشتگان معرفی کرده و می‌فرماید: محل فرود و نزول انبیاء و فرشتگان و عروج آنها است. مکانی در زمین که بر طبق روایات، انبیاء با اجازه و رخصت الهی در آن مکان نازل می‌شوند و فوج و فوج از آن مکان عروج می‌کنند و اگر کسی می‌خواهد با انبیاء مصافحه کند به زیارت امام حسین (ع) برود. در بعضی روایات، امام صادق (ع) آنجا را به عنوان حرم امن معرفی کرده است. این همه تلاش و توجه دادن به کربلا و زیارت امام حسین (ع) برای چیست؟ در روایت داریم که امام صادق (ع) می‌فرماید: «زوروا کربلا و لا تقطعوه» کربلا را زیارت کنید و قطعش نکنید یا مثلاً اینکه اگر کسی به زیارت امام حسین (ع) برود برای هر گامی که بر می‌دارد خداوند اجر و پاداشی در نظر می‌گیرد که قابل احصاء نیست و حتی عجیب این است که در روایتی امام صادق (ع) می‌فرماید: اگر کسی زیارت امام حسین را ترک کند، ظلم به امام حسین (ع) کرده است.^۱

و مهمتر از اینها این است که امام باقر (ع) فرموده که: «لو يعلم الناس ما فی زیارة قبر الحسین من الفضل لَماتوا شوقاً»؛ اگر مردم می‌دانستند که در زیارت امام حسین (ع) چه فضیلتی وجود دارد از شوق می‌مردند.

اینها همه برای این است که سید الشهداء (ع) کانون الهام بخشی و مصباح هدایت است. و ائمه (ع) نخواستند که این هیچ وقت خاموش شود، ولی توجه باید داشت که زیارت، هر چه خالصانه‌تر و هر چه عاشقانه‌تر باشد، ثمراتش برای انسان بیشتر است.

حمران می‌گوید: من از زیارت امام حسین (ع) که برگشتم امام باقر (ع) به دیدن من آمد. فرمود: ای حمران من به تو بشارت می‌دهم که هر کس قبور شهیدان آل محمد (ع) را زیارت کند (اشاره به قبر امام حسین (ع) دارد و شاید هم منحصر به آن نباشد) و مقصودش از این کار رضایت خدا و تقرب به پیامبر (ص) باشد، از گناهانش خارج می‌شود همانند روزی که از مادر متولد شده است.

ببینید این چه اثر تربیتی دارد؟! باید به این آثار توجه کرد، یعنی اثر تربیتی زیارت سید الشهداء (ع) تصفیه و تزکیه است. البته آثار زیارت سید الشهداء (ع) از جهات مختلف قابل توجه است مخصوصاً روز اربعین.

زیارت اربعین به این شکل مانور قدرت مسلمین و پیروان اهل بیت (ع) است

به هر حال فی نفسه زیارت امام حسین (ع) اهمیت دارد؛ آثار تربیتی و اخلاقی دارد؛ تصفیه و تزکیه به دنبال دارد و موجب تقرب به خدا می‌شود. پیوند ما را با اهل بیت (علیهم السلام) قوی‌تر می‌کند. الهام بخش این پیام برای مسلمین است که علم اسلام همیشه باید در اهتزاز باشد و با ظلم در هر موقعیتی مبارزه شود. مخصوصاً این دو سه سال اخیر که این راه پیمایی و پیاده روی اربعین هم گستردگی بیشتری پیدا کرده، این خودش یک مسئله مهمی است که به هر حال این یک مانور قدرت برای پیروان اهل بیت (ع) است. این ارزش فوق العاده‌ای دارد یعنی این شکوه و عظمت، تجلی قدرت مسلمین و پیروان اهل بیت (ع) است؛ چون در این اجتماع، فقط شیعیان حضور پیدا نمی‌کنند بلکه از اهل سنت و پیروان ادیان دیگر هم

۱. مستدرک، ج ۱۰، ص ۲۵۶.

۲. ثواب الاعمال، ص ۳۱۹.

هستند. این یک قدرت نمایی در برابر مشرکان و کفار و ظالمین عالم است. اجتماع پیروان ادیان توحیدی در مقابل زورگویان و ستم گران عالم است.

امیدواریم که خداوند به همه کسانی که امسال مخصوصاً مشرف شدند، توفیق زیارت مقبول عنایت کند و ان شاء الله همه سالم و قائم به اوطانشان برگردند و به ما هم توفیق زیارت از راه دور را بدهد.

«الحمد لله رب العالمین»